**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر الواحد**

**اقسام تواتر**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**شصتم\_29 بهمن 1397**

بیان مرحوم آخوند اعلی الله مقامه الشریف این است که ما روایاتی داریم کثیرة، که این روایات کثیره دلالت بر حجیت خبر واحد می­کند، منتها چون الفاظ مختلف هستند، این­جا جای ادعای تواتر لفظی نیست باید تواتر را یا معنوی گرفت، یا اجمالی.

تقریر تواتر معنوی این است که همه این روایات با اختلاف الفاظ که با یکدیگر دارند، یک مطلب به دلالت المطابقیه یا دلالت التزامیه یا تضمنیه از همه این روایات استفاده می­شود و آن حجیت خبر ثقه است. اگر تواتر تواتر معنوی باشد، یا الفاظ گوناگون معنای واحدی را پذیرفته­اند.

یا تواتر، تواتر اجمالی است یعنی می­دانیم که یک روایت از این مجموعه کثیر از روایات قطعا صادر شده است، این نیست که همه این روایات دروغ باشد، حداقل از این طوائف روایاتی که برشمردیم، یک روایت صادر شده است. کدام روایت را باید گرفت؟ می­گوید اخصها مضموناً.

در بین این روایات که دلالت بر حجیت خبر واحد می کرد، روایاتی هست که صرف ثقه بودن را کافی می­داند، مذهب هر چه که باشد، باشد. احراز بشود وثاقت، در بین این روایات، روایاتی بود که علاوه بر وثاقت عدالت را هم مطرح می­کند، طبیعتا دایره اخص می­شود نه هر ثقه­ایی، شیعه ثقه. بین این دو اخص شد شیعه ثقه.

از طرف دیگر سوال می­کنیم، وثاقت چگونه احراز شود؟ وثاقت و عدالت را با یک شاهد کافی است؟ اگر شیاعی نباشد، یا احتیاج داریم به تعدد شاهد؟ اخص اینجا این است که دو نفر شهادت دهند.

حال این دو مطلب را یک جا کنید، اخص مضمونا می شود روایتی که دلالت کند بر حجیت خبر امامی ثقه­ایی که امامی بودنش و وثاقتش با دو شاهد ثابت شده باشد. این می­شود اخص مضموناً. تواتر اجمالی این چنین روایتی را حجت می کند یعنی ما بخواهیم با تواتر اجمالی خبر واحد را حجت کنیم، هر خبر واحدی نیست. خبر واحد امامی ثقه ایی که دو نفر بر امامی بودن و وثاقتش شهادت داده باشند. این می شود اخص مضمونا.

آقای آخوند می فرماید این طائفه از روایات یا تواتر معنوی دارد بر حجیت خبر ثقه، یا تواتر اجمالی دارد بر حجیت اخص مضمونا از این گروه روایات که در امامی ثقه­ایی است که دو شاهد بر ثقه بودنش باشد.

پس ما باشیم و تواتر اجمالی بیش از این حد نیست.

بله یک راهی دارید و آن این است که حال بیاییم و در خود این مجموعه، روایتی را پیدا کنیم که اولا همه روات آن روایت امامی باشد و همه آن ها ثقه باشند، و امامی بودنشان و وثاقتشان هم حداقل با دو شاهد ثابت شده باشد؛ ثانیا آن روایت با این خصوصیت در سند دلالت کند بر حجیت مطلق خبر ثقه ورای مذهب.

اگر چنین چیزی بود باز مدعا ثابت است.

یکی از کسانی که در بحث تواتر مبنای اساسی دارد، بر پایه یک مبنای اساسی دیگر مرحوم آقای صدر است که این جا باید حرف ایشان مورد لحاظ قرار گیرد. این بزرگوار کتابی دارد به نام اسس المنطقیه فی الاستقراء در ان کتاب بحثی دارد در این که آیا استقراء قابل اعتماد هست یا نه؟ منطق ارسطویی می گوید استقراء یا تام است یا ناقص. تام حاصل نمی شود و ناقص هم مفید علم نیست. ایشان با طرح مساله حساب احتمالات، استقراء را که نمونه­هایی از آن در علوم تجربی دیده می­شود، این ها را با بیانی مفید علم می­شمرد البته نه آن علم و یقین صد در صد منطقی! تعبیرش این است که احتمال خلاف ضعیف است جدا؛ که به چنین احتمالی اصلا اعتنا نمی­شود.

حساب احتمال این است که شما آبی را می آورید در این جا حرارت می دهید می بینید در 100 درجه به جوش می آید، احتمال می­دهید این آب و در این مکان با 100 درجه به جوش آمد و شاید با تغییر آب یا مکان آب با درجه دیگری جوش بیاید و شاید هم همان 100 درجه باشد. فقط هم یک بار آژمایش کرده اید. شرایط را کمی عوض می کنید باز هم در همان 100 درجه به جوش بیاد. احتمال این که همه آب ها در 100 درجه به جوش بیاید بالا می رود و احتمال تغییر درجه پایین تر می آید. مرتب شرایط را تغییر می دهید و به جایی می رسید که می گویید همه آب ها در 100 درجه به جوش می آید این همان استقراء و حساب احتمالات است.

این مبنای کلی ایشان که در منطق تقریرش فرموده است در مواردی به جا، در اصول ازش استفاده می کند، یکی بحث اجماع و دیگری خبر متواتر. تعریف ایشان از خبر متواتر با آن چه در منطق ارسطویی از خبر متواتر بیان می کنند متفاوت است. انی که در منطق گفته اند ان است که خبر به حدی برسد که عادتا محال باشد این ها تواطی بر کذب داشته باشند . ایشان می فرماید اصلا این بحث ها نیست تا ان بحث حساب احتملات را پیش نکشید نمی توانید اثبات کنید که چرا تواطی بر کذب محال است چه بسا 100 نفرشان تواطی بر کذب داشته باشند از کجا می خواهید این نکته را بدست بیاورید؟ بدون این که قصه را از راه حساب احتمالات درست کنید ممکن نیست.

یک نفر الان از واقعه­ایی حسی در تهران خبر آورد که مثالا باران می آمد. نفر اول که آمد احتمال دروغ و صدق است. نفر دوم که همان خبر را آورد احتمال کذب کمتر و صدق بالاتر می رود تا برسد به جایی که این تواتر محقق شود.

حال از ایشان بپرسی شما عددی مد نظر دارید؟ آقای صدر می فرماید این تحدیدات مضحکه است مهم برای ما تعداد نیست مهم این است که وقتی اینها جمع می شود به یک نتیجه نهایی برسد و این ها فرق می کند خبر با خبر و مخبر با مخبر متفاوت است . سامع با سامع هم متفاوت است.

هذا و للکلام تتمة.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین.